

دکتر رابرت ای. پترسون، بشریت و گناه، جلسه ۱۳، ادامه توصیف گناه در کتاب مقدس بررسی متون کلیدی کتاب مقدس

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد آموزه‌های انسانیت و گناه. این جلسه ۱۳ است، ادامه توصیف کتاب مقدس از گناه، بررسی متون کلیدی کتاب مقدس.

ما به مطالعه خود در مورد آموزه گناه ادامه می‌دهیم و بیایید قبل از باز کردن کلام خدا دعا کنیم.

پدر، در برابر تو سر تعظیم فرود می‌آوریم. از تو سپاسگزاریم که تو پدر ما هستی و ما از طریق ایمان به عیسی مسیح، پسران یا دختران تو هستیم. ما را برکت ده، ما را تشویق کن، به ما بیاموز، ما را اصلاح کن و ما را تا ابد در راه خود هدایت کن؛ ما از طریق عیسی مسیح، واسطه، دعا می‌کنیم. آمین.

موضوع ما برای چند سخنرانی بعدی، آموزه گناه نخستین است، آموزه‌ای بسیار مهم و نادیده گرفته شده، به ویژه امروز. می‌خواهم کمی بیشتر به توصیف گناه از دیدگاه کتاب مقدس بپردازم، اگرچه در سخنرانی‌های قبلی زمان قابل توجهی را صرف آن کردیم، زیرا می‌خواهم چهار نکته بسیار مهم را تقویت کنم و برای هر یک از آنها به آیات کتاب مقدس مراجعه کنم.

اول، گناه توهینی به شخصیت خدا و نقض شریعت اوست. می‌خواهم رابطه بین شریعت خدا و شخصیت خدا را نشان دهم. دوم، گناه شامل گناه و آلودگی است. می‌دانم که قبلاً هم گفتیم، اما به سختی می‌توان بیش از حد بر آن تأکید کرد. سوم، گناه شامل افکار، کلمات و اعمال است. و چهارم، یک تکرار، اما ضروری، گناه فریبنده است.

توصیف کتاب مقدس از گناه ادامه یافت. توصیف جان ماهونی بسیار کامل، گسترده و عمیق بود و حتی در چگونگی کنار هم قرار دادن مسائل در نهایت، آموزنده و با این حال، می‌توانیم برخی از این نکات را تقویت کنیم.

گناه، توهینی به شخصیت خداست. ما مزمو ۵۱ را در میان اعتراف داوود به گناه دیدیم. تا آنجا که ما می‌دانیم، عناوین مزمو در قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی عبری که در دست داریم، وجود دارد.

این شخص به رهبر گروه کر، مزمو داوود را می‌گوید، زمانی که ناتان نبی پس از ورود او به بتشبع، نزد او رفت و در آیه ۱۴ می‌گوید: «ای خدا، ای خدای نجات من، مرا از خون‌ریزی رهایی بخش.» بنابراین، حتی در خود مزمو نیز اشاراتی به آن وجود دارد.

اما نکته قابل توجه این است که گناهان او علیه سایر انسان‌ها، یعنی بتشبع و اوریا، همسرش، به ترتیب زنا و قتل، در نهایت گناه علیه خدا محسوب می‌شود. ای خدا، بر اساس محبت پایداریت به من رحم کن. بر اساس رحمت فراوانت، گناهان مرا محو کن.

مرا از گناهم کاملاً بشوی و از گناهم پاک کن. زیرا من از گناهمم آگاهم و گناهم همیشه در نظر من است. من به تو، تنها به تو، گناه کرده‌ام و آنچه را که در نظر تو بد است، انجام داده‌ام.

اینجا یک حذف وجود دارد. کلماتی ضمنی هستند. و اکنون به گناهانم اعتراف می‌کنم تا تو در کلامت عادل شمرده شوی و در روز قیامت در داوری‌ات بی‌عیب و نقص.

ببینید، من در گناه به دنیا آمدم و مادرم در گناه به من آبستن شد. این نمی‌گوید که عمل فرقه گناه است. گذشته از همه اینها، اگر بخواهید، خدا آدم و حوا و رابطه جنسی را آفرید.

اما این می‌گوید که او از بدو تولد، از آن او بوده، او از آن اوست، او کمی گناهکار بود. بنگر، تو از حقیقتِ درونت لذت می‌بری، که دلیل خوبی برای اعتراف به گناهان ماست. و تو به من حکمتِ درونِ پنهان را می‌آموزی.

و باز هم، دلیل خوبی برای اعتراف به گناهانمان. من فقط در برابر تو گناه کرده‌ام و آنچه را که در نظر تو شر است انجام داده‌ام. همه گناهان، که بخش عمده آن علیه افراد دیگر یا چیزها یا هر چیز دیگری است.

هر گناهی در نهایت گناهی علیه خداست. او موجود متعال است. ما او را به یک دلیل خوب اینگونه می‌نامیم.

او همه چیز در همه چیز است. من پانثئیسیم (همه خدای) تدریس نمی‌کنم. او با خلقتش متفاوت است.

اما او موجود متعالی است. او واضح اصول اخلاقی خود است. او خدای اخلاق است.

او خدای نجات است. او خدای تعالیم کتاب مقدس، خدای خلقت، مشیت، رستگاری و کمال است. بنابراین تمام اعمال ما در نهایت توسط خدای قادر مطلق در حضور او انجام می‌شود.

و هر گناهی در نهایت گناهی علیه خداست. در پیدایش ۳۹.۹، اگر کسی بهانه‌ای برای پوشاندن گناهانش داشت، آن شخص یوسف بود. ای وای، او می‌توانست تا آخر عمرش همین‌طور باشد.

من یه بازنده‌ام. ببین برادرهام باهام چیکار کردن. خدا منو دوست نداره. من می‌تونم هر کاری دلم بخواد بکنم. امکان نداره. امکان نداره.

او پیوسته در جستجوی خدا بود. او کارهای نیک را یکی پس از دیگری انجام می‌داد و پیوسته به مقام رهبری ارتقا می‌یافت. سپس دوستانش در زندان او را فراموش کردند و همسر پوتیفار او را متهم نمود.

و پاسخ یوسف به همسر پوتیفار، ما مؤمنان عهد جدید را شرمنده می‌کند. این واقعاً مرا شگفت‌زده می‌کند. او از اسرائیل دور است.

می‌دانم که او هنوز از اسرائیل دور است. او از پدر و برادرانش که اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، تازه به دوران اسرائیل رسیده‌اند، دور است. او کاملاً تنهاست.

دوباره، او در برابر پیشنهادهای همسر پوتیفار مقاومت می‌کند و در نهایت به خاطر آن سرزنش شده و به زندان می‌افتد. و به همین دلیل است که به زندان می‌افتد و از این قبیل اتفاقات. اما به حرفش گوش دهید.

به او می‌گوییم، قول می‌دهم. با من دراز بکش. این خانم طفره نمی‌رود.

او بی‌درنگ این کار را می‌کند. اما او امتناع ورزید و به همسر اربابش گفت که توجه کند که چگونه به او اشاره «شده است»: اینک، به خاطر من، اربابم نگران هیچ چیز در خانه نیست.

چه رهبر خوبی است این مرد. چه مرد مسئولیت‌پذیری. و هر چه دارد را به من سپرده است.

او در این خانه از من بزرگتر نیست، و چیزی را از من دریغ نکرده است، جز تو، چون همسر او هستی. اینجا کمی زیاده روی شده است. ای احمق.

او این کلمات را نگفت. چطور می‌توانم این شرارت بزرگ را مرتکب شوم و علیه خدا گناه کنم؟ خدامحوری او مرا می‌کشد. او چه داشت؟ داستان‌های برخورد خدا با قومش، درست است؟ او عهد عتیق نداشت.

او انجیل، اعمال رسولان، رساله‌ها و مکاشفه را نداشت. فقط فوق‌العاده بود. یک مرد خدا فوق‌العاده، که مطمئناً روحش در او ساکن بود.

من شگفت‌زده‌ام. من مبهوت هستم. من سپاسگزارم.

من فروتن هستم. گناه توهینی به شخصیت خداست زیرا نقض قانون مقدس اوست. ما آن را در اول یوحنا دیدیم. گناه بی‌قانونی است، درست است؟ و این سنت اصلاح‌شده است که بخش زیادی از آن را ساخته ۳:۴ است.

گناه چیزی بیش از این است. رومیان ۸:۷ در این زمینه آموزنده است. ما باید شریعت خدا و شخصیت خدا را به هم مرتبط کنیم.

بله، جنبه‌هایی از شریعت که در یک چارچوب وسیع در نظر گرفته می‌شوند، منسوخ شده‌اند. آنها از بین رفته‌اند. اما ده فرمان، وحی از شخصیت مقدس، عادل و دوست‌داشتنی خداوند هستند و جاودانه باقی می‌مانند.

حیات و آرامش، رومیان ۸: ۶، زیرا دل سپردن به نفس مرگ است، اما دل سپردن به روح، با حرف بزرگ است. زیرا دلی که به نفس تعلق دارد، دشمن خداست. از شریعت خدا اطاعت نمی‌کند، زیرا نمی‌تواند اطاعت کند.

کسانی که در جسم هستند، کسانی که نجات نیافته‌اند، نمی‌توانند خدا را خشنود کنند. اما شما در جسم نیستید، بلکه در روح هستید، اگر در واقع روح خدا در شما ساکن باشد. هر که روح مسیح را ندارد، از او نیست.

دوباره می‌گویم: لباس یهودی، حتی لباس ده فرمان، از مد افتاده است. دیگر منسوخ شده است. ما یهودی نیستیم.

ما موظف به فداکاری نیستیم. این کار اشتباه است. هدف ما نباید این باشد که قانون مدنی اسرائیل را در فرهنگ آمریکایی و سایر فرهنگ‌های جهان دوباره برقرار کنیم.

نظریه تئانومی (خداسالاری) نادرست است. اما ده فرمان، وحی از شخصیت خداست. و به همین ترتیب، شکستن فرامین خدا، توهینی به خود خداست.

زیرا آنها بازتاب، تجلی و وحی شخصیت مقدس خداوند هستند. همانطور که بروس والتکه در کتاب الهیات عهد عتیق خود و پاول هاوس در کتاب الهیات عهد عتیق خود نشان می‌دهند، ده فرمان تأثیر عظیمی بر اخلاق کتاب مقدس در هر دو عهد دارند. اهمیت آنها غیرقابل محاسبه است.

زیرا آنها شخصیت خدا را آشکار می‌کنند، به طوری که احترام به او از صمیم قلب، اطاعت از شریعت و کلام او، او را جلال می‌دهد. این شخصیت او را تعالی می‌بخشد. نافرمانی از احکام او، چه در قلب، چه در روح و چه در کلام، و در واقع شکستن ظاهری احکام، بی‌احترامی به کسی است که در وهله اول احکام را داده است.

گناه شامل تقصیر و آلودگی است. می‌دانم که قبلاً این را گفتیم، اما بسیار مهم است. غلاطیان ۳. از نظر الهیاتی، این می‌تواند تمایز اساسی گناه باشد.

گناه دو کار بزرگ با بشریت سقوط کرده انجام می‌دهد. اولاً، ما را نه تنها در برابر خدا مسئول می‌کند، بلکه در برابر او محکوم می‌کند و ما را کاملاً نیازمند رهایی او می‌سازد. و ثانیاً، فقط این جایگاه، این فقدان رابطه نیست.

همچنین ما را، در واقع در زندگی‌مان، آلوده می‌کند. ذهن و بدن، کلمات، افکار و اعمال. بنابراین، این هم یک اصطلاح قانونی برای محکومیت و احساس گناه است و هم یک اصطلاح اخلاقی برای فساد انسان‌ها و زندگی‌شان.

این یک درک الهیاتی انتقادی و دو انتقادی از معنای گناه است. در غلاطیان ۳، پولس پسر خدا را به خاطر کار رستگاری‌اش ستایش می‌کند. مسیح با تبدیل شدن به یک نفرین برای ما، ما را از لعنت شریعت رهایی بخشید.

این به چه چیزی اشاره دارد؟ او به ما می‌گوید، زیرا نوشته شده است، هر که بر دار آویخته شود، نفرین شده است. عیسی جان‌نشین ما است، و در اینجا، جان‌نشین قانونی ما، زیرا او مجازات، نفرین شریعت را در خود می‌گیرد، زیرا بر درخت نفرین شده می‌میرد. پیشینه آیه ۱۰ از غلاطیان ۳ است. همه کسانی که به اعمال شریعت تکیه می‌کنند، زیر نفرین هستند، زیرا نوشته شده است، نفرین شده است هر کسی که به همه چیزهایی که در کتاب شریعت نوشته شده است، پایبند نباشد و آنها را انجام ندهد.

ضمناً، تقریباً هر نکته‌ای را که پولس مطرح می‌کند، با نقل قول‌هایی تأیید می‌کند، بسیار خوب، زیرا در این فصل، به ویژه آیات ۱۵ تا پایان، او با یهودی‌گرایی که دچار سوء تفاهم اساسی در عهد عتیق شده‌اند مخالفت می‌کند. آنها بر شریعت، نهاد موسی، ده فرمان و کل بالیوک تمرکز کرده‌اند و آن را از متن عهد ابراهیمی جدا کرده‌اند. در غلاطیان ۱۹: ۳ و پس از آن، پولس می‌گوید که عهد ابراهیمی مربوط به فیض و ایمان به نسلی است که قرار است بیاید، که مسیح است.

عهد ابراهیمی، عبور خدا از میان تکه‌های حیوانات است، و در نتیجه اگر او به عهد خود با قومش وفا نکند خود را نفرین می‌کند. خدا به ابراهیم چند چیز وعده داد: سرزمین، نامی بزرگ، تعداد زیادی از مردم که از او و همسر نابارورش می‌آیند، او نیز نابارور بود، و همه خانواده‌ها، اگر پیدایش ۲۲ را با پیدایش ۱۲ ترکیب کنیم همه ملت‌ها، همه خانواده‌های زمین، مکاشفه ۲۱ در واقع آن را به همه مردم زمین تبدیل می‌کند، آن را جمع می‌کند، از طریق شما برکت خواهند یافت. این در نهایت وعده‌ای برای مأموریت‌های مسیحی است که به جهان می‌روند.

البته ابراهیم نفهمید، اما خدا فهمید. خدا فهمید. یهودی‌ها ده فرمان و کل شریعت را که تابع عهد ابراهیمی بود، پذیرفته‌اند.

قرار بود در پرتو فیض و ایمان و واسطه‌ی موعود فهمیده شود. آه، نه، آنها آن را تحریف کردند و دین عهد عتیق شریعت و رعایت شریعت و شریعت‌گرایی و هر آنچه با آن همراه است را ساختند. شورش قلب، انجام سراسری قربانی‌ها

بنابراین، پیامبران از قربانی‌ها انتقاد می‌کنند، و لیبرال‌ها می‌گویند، می‌بینید؟ اینجا یک شکاف وجود دارد. خدا این را مقدر نکرده است. بله، او این چیزها را مقدر کرده است.

او می‌خواهد که آنها از صمیم قلب تقدیم شوند، و قربانی‌ها و کاهنانی که آنها را تقدیم می‌کنند و مردمی که می‌آیند را به باد انتقاد می‌گیرد، نه به این خاطر که قربانی‌ها را نمی‌خواست، که باید بگویم در کتاب خروج و لاویان بنیان نهاده بود، بلکه به این دلیل که می‌خواست آنها با قلب‌های پاک و وجدانی پاک بیایند، همانطور که عبرانیان ۱۰ به مسیحیان در مورد پرستششان یادآوری می‌کند. به همین دلیل است که پولس بارها و بارها از عهد عتیق، به ویژه شریعت، نقل قول می‌کند. شما شریعت را اشتباه متوجه می‌شوید.

شما دارید آن را از متنش بیرون می‌کشید. شما دارید دینی مبتنی بر لطف و ایمان به آمدن موعود را به دینی مبتنی بر اعمال تبدیل می‌کنید و در نتیجه، شما تحت لعنت هستید زیرا طبق گفته‌ی تثنیه، هر کسی که از تمام چیزهایی که در کتاب شریعت نوشته شده است، برای انجام آنها پیروی نکند، نفرین شده است. (تثنیه ۲۷:۲۶)

اکنون آشکار است که هیچ‌کس به وسیله‌ی شریعت در حضور خدا پارسا شمرده نمی‌شود، زیرا مرد پارسا به ایمان زیست خواهد کرد. پارسا به ایمان زیست خواهد کرد، اما شریعت ایمان نیست. بلکه کسی که شریعت را به جا می‌آورد، به وسیله‌ی آنها زیست خواهد کرد.

بعد آن آیه‌ی فوق‌العاده می‌آید. و ضمناً، نفرین، نفرین، نفرین، نفرین. یادم رفت چند بار، چهار بار

،لعنت و نفرین، درست است؟ اما قبل از آن آیات، با شروع از ۱۰، نه داریم. بنابراین، کسانی که ایمان دارند، ببخشید، پایان هشت هستند. کتاب مقدس، با پیش‌بینی اینکه خدا غیریهودیان را با ایمان توجیه خواهد کرد، از قبل به ابراهیم بشارت داد و گفت، در تو همه ملت‌ها برکت خواهند یافت.

پس اهل ایمان همراه با ابراهیم، مرد ایمان، برکت یافته‌اند. برکت یافته، برکت یافته. و سپس لعنت، یک لعنت، ۱۰. لعنت شده، ۱۰. لعنت شده، ۱۳. لعنت شده، ۱۳. پنج بار. مسیح ما را از لعنت شریعت رهایی بخشید.

واضح است که این به چه معناست. از مجازات قانون گرفته تا تهدید قانون علیه قانون‌شکنان. او چگونه این کار را انجام داد؟ با مرگ بر روی صلیب به جای ما.

این یکی از واضح‌ترین موارد جایگزینی مجازات در کتاب مقدس است. ما تحت نفرین هستیم. مسیح همانطور که بود ما را از سر راه کنار می‌زند، و صاعقه نفرین خدا به جای ما، سر محبوب بی‌گناه او را هدف قرار می‌دهد.

مسیح با تبدیل شدن به یک نفرین برای ما، ما را از لعنت شریعت رهایی بخشید. زیرا نوشته شده است: هر که بر دار آویخته شود، ملعون است. برکت، برکت، پنج لعنت

و سپس آیه ۱۴، تا در مسیح عیسی برکت ابراهیم به غیریهودیان برسد تا ما بتوانیم روح موعود را از طریق ایمان دریافت کنیم. از آنجا که عیسی لعنت شریعت را بر خود گرفت، ما برکت نجات، حیات جاودان، صلح با خدا و بخشش گناهان را که خدا به ابراهیم وعده داده بود، دریافت می‌کنیم. گناه شامل احساس گناه است.

عیسی مجازاتی را که گناهان ما سزاوار آن بودند، بر خود گرفت تا ما بتوانیم بخشیده شویم، اگرچه در حضور خدای مقدس گناهکار هستیم. آن بی‌گناه برای ما گناهکار شناخته شد تا ما در او مقبول خدا شویم. تفسیر بدی از دوم قرن‌تین ۵:۲۱: خدا کسی را که گناه نمی‌شناخت، برای ما گناه ساخت تا ما در او پارسایی خدا شویم.

مسیح جانشین ما، جانشین ما بود که به جای ما، گناهکاران، مجازات شریعت را بر دوش کشید تا ما بر اساس عدالت مسیح در زندگی بی‌گناهش و به ویژه مرگ نیابتی‌اش، عادل و در حضور خدا عادل شمرده شویم. همانطور که قبلاً دیده‌ایم، در افسسیان ۲:۳ نیز از گناه صحبت شده است. ما ذاتاً چنین بودیم. پولس می‌گوید قبل از اینکه نجات یابیم. افسسیان ۲:۱ تا ۴ بهترین مکان در کتاب مقدس برای نشان دادن سه دشمن ما، دنیا، جسم و شیطان است و ما ذاتاً فرزندان غضب بودیم، درست مانند بقیه بشریت سقوط کرده. ذاتاً به معنای تولد است. غلاطیان ۲:۱۵ را مقایسه کنید. ما ذاتاً مورد غضب بودیم.

به دلیل این اصطلاح، فرزندان غضب به معنای مردمی هستند که سزاوار غضب هستند. این یک اصطلاح عبری عهد عتیق است. قبلاً در دوم سموئیل ۱۲:۵ دیدیم که او پسر مرگ است، به این معنی که او سزاوار مرگ است.

گناه شامل تقصیر و محکومیت در پیشگاه خدای مقدس است. اگر بخواهید، این جایگاه ماست. این نحوه وجود ماست.

خشم خدا، یوحنا ۳:۳۶، بر انسان‌های ناگفته می‌ماند، چه متوجه آن باشند چه نباشند. اما گناه پیچیده‌تر و ویرانگرتر از این است. ویرانگرتر از این؟ بله.

این نه تنها ما را در تضاد با خالقمان قرار می‌دهد، بلکه وجود ما و در نتیجه زندگی ما را فاسد می‌کند. کلمه مدرنی که توسط آنتونی هوکما استفاده شده و به تصویر خدا آفریده شده است. ما را آلوده می‌کند.

تا زمانی که شما را به عنوان یک آلودگی کامل در بیرون و داخل در نظر بگیرند، کلمه خوبی است. فکر می‌کنم به معنای نابودی محیط زیست و نوشیدن آب بد هم باشد. نمی‌دانم، سم.

به هر حال، ما گناه می‌کنیم چون گناهکاریم. آن آیه‌ی بسیار ناراحت‌کننده، یعنی پیدایش ۶:۵، دوباره به ذهن خطور می‌کند. خداوند دید که شرارت انسان بر روی زمین بسیار زیاد است.

هر نیتی که در افکار قلبش بود، پیوسته فقط شر بود. و ماهونی درست می‌گوید. بعد از سقوط، اوضاع خیلی بهتر نشد.

خدای من. اوه. غلاطیان ۵:۱۹-۲۱، باید کمی بیشتر به این موضوع توجه کنیم.

ما قبلاً به آن اشاره کردیم. اعمال نفس در مقابل میوه روح قرار دارند. تمرین مفیدی خواهد بود که هر یک از میوه‌ها را در نظر بگیریم و کل فهرست اعمال نفس را مرور کنیم و برعکس.

اعمال نفسانی، نگرش‌ها و اعمالی هستند که توسط طبیعت گناهکار در شورش علیه خدا تولید می‌شوند. ثمره روح، همانطور که از نامش پیداست، عملکرد روح برای ایجاد نگرش‌ها و اعمال خوب در قوم خداست. آنها را نمی‌توان به درستی درک کرد مگر اینکه آنها را در این متن در مقابل یکدیگر ببینیم.

بیاید ببینیم که چگونه گناه نه تنها ما را در برابر خدا مسئول و گناهکار می‌کند، بلکه ما را فاسد می‌کند. این کلمه تاریخی برای این اثر گناه است. اکنون، اعمال جسم آشکار است.

دسته اول، جنسی است و تصادفی نیست. رومیان ۱، وقتی پولس در مورد خشم خدا از آسمان علیه انسان‌ها شورش علیه خدا و مبارزه و لگد زدن علیه سرکوب دانش خدا که در خلقتش آشکار شده است صحبت می‌کند، ابتدا بت‌پرستی، یک گناه مذهبی را ذکر می‌کند. سپس، گناهان جنسی، به ویژه همجنس‌گرایی را ذکر می‌کند.

او اینجا از همجنس‌گرایی نام نمی‌برد و ترتیب را برعکس می‌کند، اما این تصادفی نیست. این بار، گناهان جنسی مطرح است، و بعد، ببخشید که این عنوان غم‌انگیز را به کار بردم، گناهان مذهبی. چه تناقضی!

دوباره آنها اینجا هستند. گناهان جنسی و گناهان مذهبی چه وجه اشتراکی دارند؟ آنها با هویت انسان مرتبط هستند. نوزادان یا پسر به دنیا می‌آیند یا دختر.

خدا گفت، بیاید انسان را به صورت خود بسازیم، و او این کار را کرد. او آنها را به صورت خود، مرد و زن آفرید و بعداً در فصل دوم سفر پیدایش گفت، به همین دلیل، مرد باید همسرش را ترک کند، باید او را ترک کند، ببخشید، مرد باید والدینش را ترک کند و به همسرش بچسبد، و آن دو یک تن خواهند شد. خدا خالق جنسیت، تمایلات جنسی، و لذت بردن از روابط جنسی در ازدواج است.

ما به عنوان موجودات جنسی شناخته می‌شویم، حتی با وجود تلاش‌های مدرن، تلاش‌های پست مدرن برای بازآرایی این موضوع. ما همین هستیم. ما همچنین پرستشگر هستیم.

خدا ما را آفریده تا او را پرستیم، و ما کسی را خواهیم پرستید. ما کسی را خواهیم پرستید. من وضعیت غم‌انگیز یک مشاور را به یاد دارم، زوجش نامزد کرده بودند.

زن در چشمانش ستاره می‌بیند. شوهر می‌بیند که قرار است چیزی را تصاحب کند، این زن را. مشاور کاملاً درون او را می‌بیند و با یک سوال همه چیز را خراب می‌کند.

بعد از اینکه کمی در مورد بیلی فهمید، اسم‌ها را عوض می‌کنم. می‌گوید، بیلی، می‌گوید، ماشین قشنگی داری، نه؟ او پسر، دارم. و همینطور در مورد ماشینش حرف می‌زند.

او می‌گوید، بیلی، این ممکن است برای تو سخت باشد، اما فکر می‌کنی کدام برای تو مهم‌تر است، هلن یا ماشینت؟ او اینگونه به مشاور نشان داد که این مرد مرد خوبی نیست، شوهر خوبی هم نیست. او آشکارا ماشینش را به هلن ترجیح می‌داد. آه، می‌بینی، ما داریم او را می‌پرستیم.

ما موجوداتی با جنسیت مشخص هستیم و موجوداتی را می‌پرستیم. فقط مسئله این است که چگونه از وجودمان که آفریده شده‌ایم استفاده خواهیم کرد و چگونه پرستش خود را به کجا هدایت خواهیم کرد. بنابراین، اگر رومیان ۱، اول از همه، علیه پرستش نادرست، بت‌پرستی و سپس استفاده نادرست از موهبت جنسی خدا در همجنس‌گرایی صحبت می‌کند، در اینجا برعکس شده است.

و اعمال نفسانی، گرایش گناه‌آلود، اول از همه به این صورت طبقه‌بندی می‌شوند، بی‌بندوباری جنسی، ناپاکی، شهوت‌رانی، گناهان جنسی. ما موجوداتی با جنسیت مشخص هستیم. این موهبتی از جانب خداست.

ما باید از تمایلات جنسی خود برای جلال خدا استفاده کنیم. باشد که او به ما کمک کند. بت‌پرستی و جادوگری، اگر بخواهید، گناهان مذهبی هستند.

بت‌پرستی و جادوگری در اینجا در کنار هم قرار گرفته‌اند، همانطور که در کتاب تثنیه آمده است. در فصل ۱۵، وقتی خدا درباره بخشیدن و فرستادن پیامبرش صحبت می‌کند، از راه‌هایی که کنعانیان انجام می‌دادند، ۱۵، درباره من اطلاعات کسب نکنید، و جادوگری یکی از آن راه‌هایی است که خدا آن را محکوم کرده است. بیشتر اعمال نفسانی، که فساد گناه را نشان می‌دهند، همان جایی است که ما در آن هستیم.

ما در مورد محکومیت گناه در پیشگاه خدای مقدس و عادل صحبت کرده‌ایم. اکنون در مورد فساد واقعی، ذهن، بدن و زندگی انسان صحبت می‌کنیم. بیشتر توصیفات شامل گناهان بین فردی، دشمنی، نزاع، حسادت، خشم، رقابت، اختلاف، تفرقه و حسادت است.

چرا چنین تأکیدی بر گناهان بین فردی می‌شود؟ زیرا این مشکل غلاطیان است. ما آن را قبل از ثمره روح و اعمال جسم در غلاطیان ۵: ۱۵ می‌بینیم. اگر یکدیگر را گاز می‌گیرید و می‌خورید، مراقب باشید که توسط یکدیگر از بین نروید.

مراقب باشید. شما همدیگر را نمی‌بلعید. چه استفاده قدرتمندی از تصویرسازی. و در مورد آیه ۲۶ از فصل پنجم چطور؟ بنابراین، اینجا برای گناهان بین فردی، گتف‌هایی وجود دارد.

در واقع پیچیده‌تر است. به نظر من یک تقاطع چهار نقطه‌ای است. و این دومین پله از انتها به داخل است.

فکر کنم حالا باید بیشتر در موردش توضیح بدم، درسته؟ به هر حال، غلاطیان ۵: ۲۶، بیایید مغرور نشویم، همدیگر را تحریک نکنیم، به هم حسادت نکنیم. خیلی سریع. به نظر من کل این متن یک جورهایی شبیه به کیاست، یک توازی معکوس.

الف، تمام شریعت در یک کلمه خلاصه می‌شود. آیات ۱۳، من حتی آن را نخواندم. ۱۴ می‌گوید، همسایه‌ات را مانند خودت دوست داشته باش.

این الف است، باشه؟ ۶: ۱ و ۲، یک مرد خداترس دوران اوجش را پشت سر گذاشت وقتی من وارد زندگی‌اش شدم، اما هنوز نفوذش در مدرسه‌ای که من در آن بودم، نفوذ داشت. این آلن مگری است، یک محقق عهد عتیق. او با مثال خودش به همه درس می‌داد، و گاهی اوقات این الگو زیبا نبود.

برای خواندن، هر وقت که او کتاب مقدس را در ملاء عام می‌خواند، فصل بعدی کتاب مقدس را می‌خواند. من هرگز فراموش نمی‌کنم. ۶: ۱ و ۲ فصل اول غلاطیان هستند.

ای برادران، اگر کسی در حین ارتکاب گناهی گرفتار شود، شما که روحانی هستید، او را با روح فروتنی به راه راست بازگردانید. مراقب خود باشید که مبادا در وسوسه گرفتار شوید. ببخشید، آیه ۲ باید گنجانده شود.

اوه، من این را گفتم، ۱ و ۲. بارهای یکدیگر را تحمل کنید و بدین ترتیب شریعت مسیح را به جا آورید. این شریعت محبت است و مفسران موافقند. محبت در ۵: ۱۳ و ۱۴.

عشق در آیات ۶: ۱ و ۲. اگر بخواهید، در یک پله از این دایره‌ها قرار می‌گیرید. ب. گناهان بین فردی است. ۵. گاز گرفتن و خوردن یکدیگر، ۱۵.

بی پریم، پریم فقط یک عدد کمی برجسته است. برای مثال، برای تشخیص بی از بی پریم، آنها یکسان نیستند. آنها کلمه یکسانی نیستند.

بعضی وقت‌ها هستند، اما اینجا نیستند. ب اول ۵ و ۲۶ است، و این یعنی تکبر، تحریک، حسادت: عشق، گناهان بین فردی، روح القدس.

به روح رفتار کنید، ۱:۶، ۵:۱۶. به روح زندگی کنید.

بیاپید با روح القدس همگام باشیم. ۵:۲۵. اما این به چه معناست؟ اگر ما با روح القدس زندگی می‌کنیم، بیاپید با روح القدس همگام باشیم.

آیا این یک نصیحت نیست؟ بیاپید، بله. آیا در آیه ۵:۱۶ دستوری مبنی بر «به روح رفتار کنید» وجود ندارد؟ بله، این یک دستور است. به روح رفتار کنید، تصویری از عهد عتیق.

با روح القدس زندگی کنید. دست در دست روح القدس قدم بردارید و از او اطاعت کنید. آیه ۲۵ از فصل ۵ کمی متفاوت است.

اگر به روح زندگی می‌کنیم، اگر حیات جاودان به ما داده شده است، اگر به وسیله روح القدس از نو زاده شده‌ایم، بیاپید با روح هماهنگ باشیم. آن نصیحت بسیار شبیه به فرمان «در روح رفتار کنید» است. عشق، نصیحت به عشق، اشاره به گناهان بین فردی، اشاره به زندگی با روح، که پادزهر آن گناهان بین فردی است، و راه تحقق عشقی که خدا فرمان می‌دهد.

و سپس در درون آن، از طریق روح، اعمال جسم را داریم. آنها در مرکز تقاطع قرار دارند و از این رو در متن مورد تأکید قرار گرفته‌اند و در قلب این الگو قرار دارند. ممکن است به نکته‌ای اشاره کنم که گاهی اوقات از قلم می‌افتد، و آن آیه ۲۴ است.

البته، در این متن به اتحاد با مسیح اشاره شده است. کسانی که متعلق به مسیح عیسی هستند، جسم را با هوس‌ها و امیالش مصلوب کرده‌اند. نه تنها روح القدس به عنوان کارگر و کارگر در محل کار برای کمک به ما دخیل است، بلکه خداوند عیسی مسیح مرد و ما با او مردیم.

بدین ترتیب، او قدرت گناه و سلطه‌ی آن بر زندگی ما را در هم شکست. تمام این‌ها به این معنی است که اعمال نفس، فساد و آلودگی عمیق گناه را در زندگی انسان نشان می‌دهد. بنابراین، هم بعد قانونی برای اثرات گناه وجود دارد. ما محکوم شده‌ایم، ما تحت خشم خدا هستیم، و هم بعد اخلاقی.

ما شخصاً توسط گناه نابود، فاسد و آلوده شده‌ایم. برای تکمیل اعمال نفس، آنها جنسی، مذهبی و بین فردی هستند و سپس گناهی از قبیل بی‌بندوباری مطلق، افراط کامل، زندگی بی‌بندوباری دیگر و خویشنداری را شامل می‌شوند. این برعکس است.

این یعنی دریافت غذای روح و خواندن فهرست اعمال نفس در پرتو آن. مستی، عیاشی و چیزهایی از این قبیل. پولس خیلی محتاط است.

بدیهی است که مسیحیان می‌توانند در برخی از این موارد مقصر باشند. این فقط یک فرضیه نیست. دومین پله از چهارگانه‌های کلیسا، گناهان بین فردی است و بزرگترین فهرست اعمال نفس، گناهان بین فردی است.

با این وجود، او نکته‌ی مهمی برای گفتن دارد. همانطور که قبلاً به شما هشدار دادم، به شما هشدار می‌دهم، کسانی که چنین کارهایی انجام می‌دهند، پادشاهی خدا را به ارث نخواهند برد. آیا او حرف خودش را نقض نمی‌کند؟ نه، نه

مسیحیان می‌توانند چنین کارهایی را انجام دهند، اما در مورد الگو یا عادت زندگی، چنین کارهایی را نمی‌توانند انجام دهند. کسانی که زندگی‌شان فقط با اعمال نفسانی، کارهای نفسانی مشخص می‌شود و کاملاً عاری از میوه روح هستند، طوری به نظر می‌رسند که انگار اصلاً مؤمن نیستند. صحبت از دیدگاه روحانی شد، من می‌گویم در این مورد مراقب باشید، زیرا در یک روز بد، من و شما ممکن است خیلی خوب به نظر نرسیم.

داوود به مدت یک سال گناهان زنا و قتل را در قلب خود نگه داشت. بنابراین، به زبان ساده، اینطور می‌گویم: اگر به نظر می‌رسد هیچ میوه‌ای وجود ندارد، اگر به نظر می‌رسد علف‌های هرز زیادی وجود دارد، اینطور می‌گویم که نشانه بسیار بدی است.

به شما توصیه می‌کنم کلمه علف‌های هرز مرا به یاد کتاب کوچک و خوب جان سندرسون می‌اندازد که احتمالاً ایمیل بزنید و بگویید، لطفاً آن را دوباره چاپ کنید - میوه PNR متأسفانه دیگر چاپ نمی‌شود. به انتشارات روح، جان سندرسون.

این کتاب بسیار پرباری است. او اعمال نفس را علف هرز می‌نامد، و این تا حدودی قابل توجیه است زیرا در ادامه فصل ششم، پولس به این استعاره باغبانی بازمی‌گردد و درباره کاشت و برداشت و غیره صحبت می‌کند. به هر حال، دیگر بس است، دیگر بس است.

من نکته را گفتم. من نکته را گفتم. گناه عواقب بسیار زیان‌باری، ببخشید، زیان‌باری برای بشریت دارد.

این ما را به دلیل گناه، نه فقط احساس گناه، در معرض خشم و محکومیت خدا قرار می‌دهد. چه احساس گناه کنیم و چه نکنیم، در برابر خدای مقدس و عادل گناهکار هستیم. و نه تنها این، بلکه زندگی ما را نیز خراب می‌کند، زیرا ما را فاسد می‌کند. و بنابراین، برای غلبه بر گناه به لطف خدا در توجیه نیاز داریم.

و ما به فیض خدا در تقدیس تدریجی نیاز داریم تا فساد را در مقیاس‌های قابل توجهی معکوس کنیم. نه کاملاً در این زندگی، اما این چیزی است که: من عاشق عبارت هوکما هستم: تونی هوکما، نجات یافته توسط فیض. بسیاری از اوقات، هنگام تدریس در مدرسه یکشنبه بزرگسالان، کسی خواهد گفت، صادقانه می‌گویم، بله، اما من هنوز با گناه دست و پنجه نرم می‌کنم.

و گاهی اوقات از خودم می‌پرسم، خدای من، آیا من اصلاً یک مرد مسیحی هستم؟ سخنان هوکما به ذهنم خطوط می‌کند. ما کاملاً جدید نیستیم. ما واقعاً جدید هستیم.

و آن فریاد، خداوند، کمک کن، شبیه صدای پولس در رومیان ۷ است. من یادداشت‌هایی برای برخی از دوستانم دارم و ممکن است بعداً آنها را به من یادآوری کنند. چه کسی مرا از این بدن مرگ رهایی خواهد داد؟ من به شدت در حال مبارزه هستم، ای خداوند. رومیان ۸ به ما می‌گوید چون روح داریم، ناله می‌کنیم.

بنابراین، کسی که اصلاً از گناهانش ناراحت نیست، مثل مارتین لوتر است، شام خداوند برای گناهکاران است. او می‌گوید، یک مرد بیچاره که غرق در گناهانش است، کاملاً واجد شرایط است. بگذارید به گناهانش اعتراف کند.

آیا وقتی بیمار هستید از پزشک دوری می‌کنید؟ آیا وقتی بیماری‌تان شدید است از بیمارستان دوری می‌کنید؟ اما او می‌گوید کسی که از هیچ گناهی خبر ندارد، باید از شام خداوند دوری کند. ای وای. گناه، سوما، شامل افکار، کلمات و اعمال می‌شود.

اندیشه‌ها. خروج ۲۰ در آیه ۱۷، طمع نوز. طمع ورزیدن یعنی خواستن بیش از حد چیزی که مال تو نیست.

و این اشتباه است. این گناهی در حق همسایگانمان است، و ما قرار است همسایگانمان را مانند خودمان دوست داشته باشیم. همانطور که عیسی در متی ۲۲ با نقل قول از قانون می‌گوید.

و گناه نسبت به همسایه‌مان، همانطور که در نکته اول اینجا آموختیم، گناه نسبت به خداست، که باید او را با تمام قلب، روح، ذهن و قدرت خود دوست داشته باشیم. به عبارت دیگر، با همه چیز. بنابراین، گناه، از جمله افکار، مانند عیسی در متی ۵:۲۲ به نظر می‌رسد. اگر از برادرت متنفر باشی، اگر از برادرت بد بگویی، اگر در قلبت از او متنفر باشی، مرتکب قتل روحانی شده‌ای.

اوه، عیسی، چه معلمی. او به قلب می‌رود. او نافذ است.

او دارد ما را با اشعه ایکس معاینه می‌کند و ما را می‌کشد. این نقض فرمان ششم است. زنا یعنی اینکه واقعاً از نظر فیزیکی با کسی غیر از همسر خود درگیر شوی، درست است؟ بله.

اما آیا کل ماجرا همین است؟ خیر. عیسی می‌گوید که به کسی غیر از همسر خود تمایل داشته باشید. او می‌گوید به یک زن.

البته که این درست است. اما گزینه دیگری هم اشتباه خواهد بود، و آن زنا از نظر روحانی است. ای عیسی، نه تنها با شریعت، یعنی متن شریعت، بلکه با روح همه چیز صحبت می‌کند، که همان کاری است که فرمان دهم در وهله اول انجام داد.

و خداوند، در متن فرمان دوم یا سوم، به هزاران نسل از کسانی که مرا دوست دارند و احکام مرا حفظ می‌کنند، مهربانی و محبت نشان می‌دهد. کالوین درست می‌گوید. اگرچه عبرانیان ۱۲ می‌تواند ۱۰ فرمان و آتش‌بازی را نقل قول کند و ادامه دهد و خداوند از کوه سینا فریاد می‌زند و مردم می‌لرزند و غیره.

بنابراین، شریعت راهی عالی برای نشان دادن نیاز مردم به مسیح است. اما کالوین درست می‌گوید. در متن اصلی آن، من خداوند، خدای شما هستم که شما را از اسارت مصر رهایی دادم.

مرا دوست داشته باش و احکام مرا نگه دار. به فرمان دوم می‌رسیم. این فرمان، راهنمایی برای زندگی مسیحی است.

این روشی بود که قرار بود اسرائیل در پرتو پیمان ابراهیمی فیض، ایمان و نجات‌دهنده‌ی الهی که قرار بود بیاید، زندگی کند. آنها باید خداوند، خدای شما، را دوست می‌داشتند و از شریعت او اطاعت می‌کردند. عیسی گفت، اگر مرا دوست دارید، احکام مرا نگه دارید.

فرقی نمی‌کند. اوه، فرق می‌کند چون مسیح‌گونه شده است. مرا دوست داشته باشید، احکام مرا نگه دارید.

البته، او قصد دارد پدر و روح القدس را نیز دوست داشته باشد. گناه شامل کلمات نیز می‌شود. یعقوب ۳: ۱ تا ۱۲.

چه بخش مهمی از کتاب مقدس. به افرادی مثل من هشدار می‌دهد: پروردگارا، تقصیر من نیست که تو فقط از یک طریق به من عطا کردی. برادران من، نگذارید بسیاری از شما معلم شوید

زیرا می‌دانید، ما که معلم هستیم با سخت‌گیری بیشتری قضاوت خواهیم شد. وقتی من، خداوند، مرا به عنوان یک جوان ۲۱ ساله به سوی خود آورد، هر کاری که انجام می‌دادم، در نهایت به تدریس ختم می‌شد. و نمی‌توانستم بیشتر کارهای دیگر را انجام دهم.

به هر حال، خدا مهربان است. او به همه ما حداقل یک هدیه می‌دهد. من دوستی دارم که هدایای زیادی دارد.

گفتم تو توی دردرس افتادی. هیچ راهی وجود نداره که بتونی همه اون کارهایی که توشون استعداد داری رو انجام بدی. و اون یاد گرفته که دیگران رو مدیریت و کمک کنه و رهبری کنه و غیره، از جمله من.

در هر صورت، ای انسان، همه ما از بسیاری جهات می‌لغزیم. اگر کسی در گفتار خود نلغزد، او انسان کاملی است که می‌تواند تمام بدن خود را مهار کند. سپس او از این مثال‌ها در مورد موجودات عظیم‌الجثه استفاده می‌کند.

در صفحه فیسبوکم، عکس‌های زیبایی از اسب‌ها می‌گذارم. و گاهی بچه‌های کوچک سوار بر اسب‌ها یا در کنارشان هستند. آنها حیوانات بزرگی هستند، وای، آنها حیوانات بزرگی هستند.

اما ما تمام بدن آنها را با کمی در دهانشان کنترل می‌کنیم. و یک کشتی می‌تواند بسیار بزرگ باشد، بسیار بزرگتر از آنچه جیمز حتی تصور می‌کرد. اما یک سکان کوچک

می‌دانم که امروزه چیزهای متفاوتی داریم، اما به طور مشابه، ابزارها می‌توانند کل کشتی را به روشی که ناخدا می‌خواهد، حرکت دهند. بنابراین، زبان نیز عضو کوچکی است، اما هر دو کار را انجام می‌دهد. قادر به انجام کارهای خوب و بد است.

این چیزی نیست که او می‌گوید. او می‌گوید که از چیزهای بزرگ تعریف می‌کند. او به ندرت حرف خوبی با زیانش می‌زند.

آیا این تمام پیام کتاب مقدس است؟ خیر. امثال می‌گوید که هم خوبی و هم بدی از آن ناشی می‌شود. در اینجا، او بر بدی تأکید می‌کند.

خدای من، آیا او این کار را می‌کند؟ چه جنگل بزرگی با آتشی به این کوچکی به آتش کشیده می‌شود. جنگلی کامل با آتشی بی‌احتیاط یا جرقه‌ای از صاعقه در آتش می‌سوزد.

و زبان، آتشی است، دنیایی از بی‌عدالتی. زبان در میان اعضای ما قرار دارد و تمام بدن را لکه‌دار می‌کند. شاید در یک فیلم یا متأسفانه در زندگی واقعی، یک انسان یا مرد یا زن کاملاً خوش‌قیافه را دیده باشید.

و سپس دهانشان را باز می‌کنند. و آه، این واقعاً غم‌انگیز است زیرا ظاهر زیبای آنها، هدیه‌ای از جانب خدا چنان توسط دهانی کثیف خدشه‌دار شده است که به سختی می‌توان تناقض را تحمل کرد. زبان در میان اعضای ما قرار گرفته، تمام بدن را لکه‌دار می‌کند و در تمام طول زندگی آتش می‌زند. جهنم آن را به آتش می‌کشد.

یادم رفته، ۱۲ بار، ۱۳ بار، چیزی در این حدود استفاده شده. ۱۲ بارش توسط عیسی در انجیل‌ها. این هم کاربرد دیگریست.

زبان از معاشرت بد به آدم رو می‌آورد. وای. پس قبل از اینکه در یک بحث داغ، به کسی حرفی بزنیم، فقط ساکت باشیم.

کتاب امثال می‌گوید که یک احمق، حتی اگر ساکت باشد، عاقل پنداشته می‌شود. خدای من. هر نوع حیوان و پرنده، خزنده و موجود دریایی.

این قابل توجه است. او می‌توانست این را در قرن اول برای من بنویسد. می‌توان آن را رام کرد و توسط بشر رام شده است.

اما هیچ بنی بشری نمی‌تواند زبان را رام کند. وزنش چقدر است؟ چقدر بزرگ است؟ خیلی بزرگ نیست. وزنش چند اونس هم نیست.

این یک شر بی‌قرار و پر از زهر کشنده است. او از استعاره‌ای استفاده می‌کند که زبان را به یک مار، یک مار سمی، تشبیه می‌کند. و سپس در اینجا، همانطور که قبلاً دیدیم، او چیز خوبی در مورد زبان می‌گوید.

با زبان‌هایشان، ما پروردگار و پدر خود را متبارک می‌خوانیم. بله، خوب است، درست است؟ نه، در متن اینطور نیست. با آن، ما افرادی را که به شباهت خدا آفریده شده‌اند، نفرین می‌کنیم.

وای! از یک دهان هم می‌توان هم آفرین گفت و هم نفرین. برادران من، این چیزها نباید باشد.

در مرحله بعد، او چنین استفاده‌ای از گفتار را برای ستایش خدا و نفرین کردن مجسمه‌های خدا نشان می‌دهد، که در واقع، نفرین کردن خداست. این غیرطبیعی است. آیا چشمه از یک دهانه، هم آب شیرین و هم آب کرم شور جاری می‌شود؟ من اینطور فکر نمی‌کنم.

برادران من، آیا درخت انجیر می‌تواند زیتون بدون میوه بدهد؟ نه، انجیر. آیا تاک انگور می‌تواند انجیر بدهد؟ نه، انگور. و نه یک برکه‌ی شور می‌تواند آب شیرین بدهد.

وای، حرف من. حرفم را پس می‌گیرم. گناه شامل گناهان کلامی می‌شود.

ضمناً، اگر یعقوب واقعاً راه حلی ارائه دهد، در آیات بعدی است که از حکمت الهی، حکمتی از بالا، که در اصطلاح یهودی به روح خدا مرتبط است، صحبت می‌کند. اما وای، ای انسان، ای انسان. قبلاً گفتیم که گناه فریبنده است.

فقط به مرور مختصر می‌کنم. متی ۱۹، مطمئن نیستم که گناه فریبکارانه باشد. گناهان مخفی هستند.

گناهان نیازی به گوینده ندارند. او از خدا خواست که آنها را نیز ببخشد. متی ۷ همان تصویر مضحک از مردی است که تیر تلفن در چشمش رفته و سعی می‌کند به مرد یا زنی که خاری در چشمش رفته کمک کند.

چقدر پوچ. چطور ممکن است ما از نظر روحانی آنقدر کور باشیم که تیر چراغ برق را در چشمان خود نبینیم، چون گناه فریبنده است؟ سی. اس. لوئیس این را خوب گفته است. ما به خوبی می‌دانیم، رومیان، فصل ۲، که انسان‌ها وقتی مورد گناه قرار می‌گیرند، واکنش نشان می‌دهند.

او گفت ما خوب می‌دانیم چون وقتی به ما گناه می‌شود واکنش نشان می‌دهیم. او، از زمان سقوط، این کار ذاتی شده است. عبرانیان ۳ به طور خاص از فریندگی گناه صحبت می‌کنند.

و ارمیا ۱۷، فریبکاری و شرارت قلب انسان. در این نکته‌ی نه چندان خوشایند، در سخنرانی بعدی خود به بحث در مورد یک موضوع بسیار مهم و نادیده گرفته شده خواهیم پرداخت: منشأ نهایی گناه. این همان سقوط و آموزه‌ی گناه نخستین است.

،من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریس در مورد آموزه‌های انسانیت و گناه. این جلسه ۱۳ است. ادامه توصیف کتاب مقدس از گناه، بررسی متون کلیدی کتاب مقدس